

سبک زندگی اسلامی راه‌کار برخورد با گسست نسلی خانواده‌ها*

□ جمال عاشوری^۱

چکیده

سبک زندگی در خانواده بنا نهاده می‌شود و شخصیت فرد را شکل می‌دهد. در سبک زندگی اسلامی بر آموزه‌های اسلامی تأکید شده است. سبک زندگی اسلامی با همه ابعاد زندگی فرد مرتبط است و از این رو اسلامی است که نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف، شناخت و نیت‌ها باشد. بر این اساس هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از عواطف، شناخت و نیت‌ها را پشتوانه خود قرار دهد. یکی از مسائل اجتماعی که دامن‌گیر خانواده‌ها شده است، اختلاف‌های فکری و ارزشی در روابط خانوادگی میان والدین و فرزندان است. پدیده گسست نسلی، پدیده‌ای جامعه‌شناختی است که جامعه ما به دلیل نهادینه نشدن سبک زندگی اسلامی با آن مواجه است. هدف پژوهش حاضر ارائه راه‌هایی برای برخورد با پدیده گسست نسلی در خانواده‌هاست. این پژوهش با روش توصیفی به بررسی پدیده گسست نسلی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن پرداخته و سپس راه‌هایی برای برخورد با آن ارائه کرده است. نتایج بیان‌گر آن است که سبک زندگی اسلامی که مبتنی بر اعتدال است، زمینه‌ساز پیوند عاطفی در خانواده می‌باشد و از پدیده گسست نسلی جلوگیری می‌کند. واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، گسست نسلی، خانواده.

۱. مقدمه

گسست نسلی که به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمند تعریف شده است، موضوع بحث مشترک جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، صاحب‌نظران علوم تربیتی و مردم‌شناسان فرهنگی بوده است. نسل دیروزی که دارای تجربه جنگ و انقلاب بود، امروزه در کنار نسلی زندگی می‌کند که فاقد این نوع تجربه است و این خود سبب شده است گسستی در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی این نسل (والدین) با نسل جدید (فرزندان) به وجود آید. اینک بحران گسست نسل‌ها به هر تعبیر، مشغله‌ای از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان اجتماعی گردیده و بررسی عوامل مؤثر بر شکاف بین دو نسل در جامعه کنونی، از جمله مسائل حیاتی و در اولویت است (معیدفر، ۱۳۸۳، ۵۶).

همچنین در جامعه امروز سست شدن ارتباط نسل‌ها در ارتباط و انتقال فرهنگی از نسلی به نسل دیگر خلل ایجاد کرده است. گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، جوامع را دست‌خوش تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای می‌کند که در ایجاد شکاف میان نسل‌ها تأثیر بسزایی دارد. در ایران به علت مواجهه نظام اجتماعی، فرهنگی ملی با نظام اجتماعی، فرهنگی غرب و گسترش طبقات جدید اجتماعی در کنار طبقات سنتی و افزایش مهاجرت از روستا به شهر و رشد ارتباطات و اطلاعات، آهنگ تغییر جامعه شدت گرفته و نسل جوان در فرایند هویت‌یابی ملی اسلامی با مجموعه اندیشه‌ها، الگوها و هنجارهایی که هویت جهانی دارند رو به رو شده و در نتیجه میان نسل جدید و نسل گذشته گسست رخ داده است. تفاوت پوشش، روابط و نگرش به زندگی در میان جوانان و نسل گذشته در جامعه شاهدهی بر وجود تفاوت نسلی است. البته باید توجه داشت که گسست نسلی امری طبیعی است که در طول تاریخ همواره وجود داشته است (شادفر و جمالی زواره، ۱۳۹۲، ۵۴۰). در این مقاله ضمن بررسی ادبیات موضوع پژوهشی به راه‌کارهای مواجهه برای جلوگیری از

گسست نسلی براساس سبک زندگی اسلامی پرداخته می‌شود. سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اعتدال است و به کارگیری آموزه‌های اسلامی یا سبک زندگی اسلامی در زندگی و تربیت فرزندان ضروری است.

۲. مفهوم شناسی سبک زندگی

سازمان بهداشت جهانی سبک زندگی را این گونه تعریف می‌کند: اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتاب کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادت‌های فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد، دخانیات و غیره) است که در پی فرایند جامعه‌پذیر به وجود آمده است (فاضلی، ۱۳۸۲، ۸۳).

نویسنده کتاب دین و سبک زندگی می‌نویسد: سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا یا مجموعه‌ی منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات یا ترجیح‌ها و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند، یا به اختصار سبک زندگی الگو یا مجموعه‌ی نظام‌مند کنش‌های مرجح است (مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ۷۸).

سبک زندگی ما برگرفته از نخستین و ابتدایی‌ترین آموزش‌های ماست که منجر به شکل‌گیری جامعه‌ی فردا می‌شود. مشکلی که اکنون در جامعه ایران با آن رو به رو هستیم شکل‌گیری سبک‌های مختلفی از زندگی است که نمی‌توان قانون و قواعدی برای جلوگیری از پدید آمدن و رواج آنها به کار برد. مهم‌ترین این تغییرات مربوط به بنیادی‌ترین جزء تشکیل دهنده‌ی جامعه، یعنی خانواده است. در واقع امروز شکل خانواده‌ها و مناسبات اعضای آن با یکدیگر نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده است، به طوری که اصالت فرد به اصالت جمع ارجحیت داده می‌شود و وجدان جمعی رنگ باخته است (امامی، ۱۳۹۰، ۴۳).

۳. نقش والدین در تحقق سبک زندگی

انسان‌ها، گرچه واحدهای جدا از هم هستند، اما عوامل گوناگونی این مردم را به مجموعه تبدیل می‌کند و آنان را به شکل‌های گوناگونی به هم مرتبط می‌سازد. خانواده یکی از مجموعه‌هاست و از مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی و پیوند دهنده افراد است. نهاد خانواده هم تأمین‌کننده نیازهای روحی و عاطفی انسان‌هاست، هم روحیه‌ایثار و تعاون را زنده نگه می‌دارد و تقویت می‌کند و هم زمینه‌ساز بروز استعدادهای انسان می‌شود. رمز و راز تأکید قرآن بر استفاده از الگوی قرآنی نیز در همین نکته نهفته است. زیرا با این برنامه‌ها انسان حیات فطری‌تر و روبه کمال‌تری می‌یابد. نهاد خانواده معنی بخش زندگی، آرامش بخش روح، سالم‌کننده اخلاق، نگهدارنده دین و تأمین‌کننده خلأ روحی است. در نتیجه این ویژگی‌هاست که خانواده‌ای به سلامت و امنیت می‌رسد و این همان سبک زندگی سالم و اسلامی است که خانواده‌ها دنبال آن هستند. این جاست که نقش والدین به عنوان پایه‌های خانواده مشهود می‌شود که با داشتن چه ویژگی‌هایی در برابر فرزندان‌شان می‌توانند به اهداف خود در زندگی سالم و اسلامی برسند. هر خانواده برای داشتن چنین سبک زندگی باید دارای یک سری ویژگی باشد که مهم‌ترین آنها شامل آرامش، احساس مسئولیت، احترام متقابل، برنامه‌ریزی، تلاش معاش و حق‌شناسی است. اسلام از انسان می‌خواهد که به عنوان عضوی از جامعه برای زندگی خوب و آبرومند نقش ایفا کند و سهمی در سازندگی جامعه داشته باشد (پاک‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۰). والدین، که مهم‌ترین نقش‌آفرینان در حوزه تربیت نسل جدید محسوب می‌شوند و مسئولیت سنگین آن را به عهده گرفته‌اند، با بهره‌گیری از روش‌های درست و اطمینان‌بخش و با رعایت حقوقی که دین مبین اسلام معین کرده، فرزندان خویش را در امر تربیت یاری کرده و برای پرورش خلاقیت فرزندان و شکوفایی فطری آنان به حقوق اساسی فرزندان‌شان توجه کنند. این توجه به حقوق فرزندان می‌تواند فرزندانی شایسته و با ایمان به جامعه تحویل دهد. وجود پدر در خانواده، به عنوان مظهر قدرت، امنیت، قانون و

رحمت در خانه است. اگر او نقش خویش را به شایستگی انجام دهد و محیط خانه را به محلی امن و همراه با نظم تبدیل کند و با رعایت حقوق همسر و فرزندان و ابراز محبت نسبت به آنان شایستگی خود را نشان دهد، بدیهی است که در چنین محیطی فرزندان لایق و صالح تربیت خواهند شد. در مقابل تأثیر مادر در تربیت فرزندان آن چنان مهم است که برابر متون دینی ما بخشی از عوامل نیک بختی یا تیره بختی افراد مربوط به دوران بارداری مادر است (پاک‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۶).

۴. سبک زندگی اسلامی در خانواده‌ها

مفهوم سبک زندگی در روان‌شناسی ابتدا توسط آلفرد آدلر و همکارانش مطرح شد. آدلر و پیروانش سبک زندگی هر فرد را از شکل‌گیری تا پیامدها و آثارش به یک درخت تشبیه کرده‌اند. ریشه‌های این درخت همان ریشه‌های سبک زندگی است که شکل‌گیری آن را بیان می‌کند، ساقه این درخت همان اعتقادات و نگرش‌های کلی افراد است و شاخه‌های این درخت وظایف زندگی هستند. در حقیقت سبک زندگی واقعی همان شاخه‌ها هستند (قمبری، ۱۳۸۸). اما مفهوم سبک زندگی در اسلام برتری‌هایی نسبت به سبک زندگی آدلر دارد. سبک زندگی اسلامی در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می‌شود. درخت سبک زندگی اسلامی به تفصیل از دیدگاه آیات و روایات استخراج و جامعیت لازم را به دست آورده است و با دیدگاه روان‌شناختی آدلر و همکارانش تفاوت اساسی دارد. برای مثال می‌توان به توجه به دوره جنینی، تعریف و معیارهای واقعی مهتری و کهنتری، جایگاه نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی، جایگاه اراده در شکل‌گیری سبک زندگی و توجه کافی به معنویت اشاره کرد (کاویانی، ۱۳۸۸، ۳۴).

در سبک زندگی اسلامی به آموزه‌های اسلامی و کلیت اسلام توجه شده است. سبک زندگی اسلامی عنوانی شناخته شده در اکثر رشته‌های علوم انسانی

در سطح بین‌المللی است، اما از زوایای متعدد به آن توجه شده است. سبک زندگی اسلامی با تمام زندگی افراد و همه ابعاد آن مرتبط است. در جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم پزشکی و روان‌شناسی بالینی نیز سبک زندگی مطرح است، اما در این حوزه‌ها فقط به رفتاری خاص می‌پردازند و به طور مستقیم با عواطف، شناخت و نیت‌ها ارتباط برقرار نمی‌کنند. اما در سبک زندگی اسلامی از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف، شناخت و نیت‌ها باشد. بر این اساس هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از عواطف، شناخت‌ها و نیت‌ها را پشتوانه خود قرار دهد. پس سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند بی‌توجه به نیت‌ها باشد، مانند نماز که اگر اعتقاد به خداوند و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود (کجباف، سجادیان، کاویانی و انوری، ۱۳۹۰).

خانواده نهادی اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی است. خانواده نهادی از اجتماع است همچون همانند آئینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از سامان یا نابسامانی‌های اجتماعی است. علاوه بر این خانواده مؤثرترین عامل در جامعه است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت کامل دست یابد، مگر آن که خانواده‌های سالمی داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۱۳۶). از نگاه سبک زندگی اسلامی، سبکی مورد قبول است که علاوه بر هدایت فرد به سمت تعالی و ارتقای درجات معنوی، به سلامت جسمانی و روانی فرد نیز کمک کند. از این دیدگاه است که نهاد خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد در جامعه انسانی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در باورهای زندگی اسلامی به طور قطع سلامت جسمانی و روانی افراد برخاسته از شیوه‌هایی است که فرد در جامعه از آن پیروی می‌کند و نهاد خانواده از آن رو اهمیت فراوانی دارد که کانون شخصیت‌سازی و الگوگیری به شمار می‌رود. هنگامی که در یک خانواده الگویابی با وجوه مثبت سبک زندگی پذیرفته می‌شود، در آن خانواده سبک زندگی سالم شکل

می‌گیرد. در سبک زندگی اسلامی خانواده جایگاه بسیار مهمی دارد و این نهاد همواره مورد تکریم قرار گرفته است. در سبک زندگی اسلامی برای تحکیم نهاد خانواده رهنمودهای زیادی وجود دارد که در صورت سرلوحه قرار دادن آنها و نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی می‌توان خانواده‌هایی پایدار و صمیمی بنیان نهاد که در آن شاهد کم‌ترین شکاف نسلی باشیم (بیات، ۱۳۸۲، ۶۵). بررسی سبک زندگی در خانواده‌ها از آن رو اهمیت دارد که امتداد فرهنگی و دوری از گسست نسلی در گرو انتقال فرهنگی از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر است. نظریه‌های جامعه‌پذیری با تأکید بسیاری والدین را به عنوان عوامل خاص پرورش در دوران کودکی و نوجوانی مورد توجه قرار می‌دهند. دو شرط اساسی که برای انتقال ارزشی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر لازم است عبارتند از:

۱. نسل فرزندان بتوانند درک درستی از ارزش‌ها و عقاید نسل والدین کسب کنند؛

۲. موانع بر سر راه درک ارزش‌های درست قرار نداشته باشد (یوسفی، ۱۳۸۲، ۳۰۷).

خانواده برای هر سه نسل محل ارتباط و پیوند است. خانواده برای نسل اول محل استراحت، برای نسل دوم محل عمل و ظرفیت‌سازی و برای نسل سوم محل رشد است. به این ترتیب روابط خانوادگی می‌تواند سامان دهنده عمده روابط بین نسلی در ایران باشد. از سوی دیگر وجود تفاوت در ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر نسل حکایت از شکاف بین نسلی دارد. در جامعه ایران به جای انقطاع نسلی، تفاوت و شکاف نسلی شکل گرفته است (آزاد ارامکی، ۱۳۸۶، ۶۴). در جامعه جدید، خانواده، بسیاری از کارکردهای پیشین خود را از دست داده یا ماهیت این کارکردها تغییر کرده است. روابط خانوادگی همانند روابط میان والدین و فرزندان نیز تحت شرایط جدید اجتماعی تغییر کرده و دگرگونی‌هایی را به وجود آورده است. همین تغییر در روابط که به تفاوت در نظام ارزشی منجر می‌شود، سبب ایجاد فاصله میان نسل گذشته و نسل جدید شده

که از آن به عنوان شکاف نسل‌ها تعبیر می‌شود (کمربگی، ۱۳۸۵، ۵۹).

۵. پدیده گسست نسلی

در جمعیت‌شناسی نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. زیرا نسل برای بیان اختلافات فردی و گروهی و نیز توضیح فرهنگ، منافع و رفتار به اندازه طبقه اجتماعی مطرح می‌شود. در تعریفی دیگر نسل فاصله میان تولد والدین و تولد فرزندان است که معمولاً سی سال در نظر گرفته می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵، ۴۸). در تعریف دیگر نسل را افرادی دانسته که از جهت سنی به یکدیگر نزدیک‌اند و حداکثر فاصله سنی میان آنها پانزده سال است و همچنین از لحاظ تاریخی و ملی در درون مرزهایی خاص تعریف شده‌اند و ارتباط عاطفی، فکری و فرهنگی با یکدیگر دارند (منصورزاد، ۱۳۸۲، ۱۹۳).

گسست نسلی در خانواده میان پدر، مادر و فرزندان به معنی عدم تبعیت کامل فرزندان از پدر و مادر است. در پدیده گسست نسل‌ها نوعی اختلال در تبعیت فرزندان از والدین به وجود می‌آید. به این معنا که فرزندان برای همانند سازی، فرد دیگری را جایگزین شخصیت پدر و مادر می‌کنند. اگر در فرایند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و باز تولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود و اختلاف فاحشی میان دو نسل به وجود نمی‌آید و پیوند نسلی برقرار می‌شود (پناهی، ۱۳۸۰، ۸۰). در مقابل اگر فرایند جامعه‌پذیر کردن بنا به علل داخلی یا خارجی دچار مشکل شود و یا به طور ناقص انجام پذیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعدی منتقل نشود، تداوم فرهنگی و ارزشی دچار مشکل می‌شود و میان نسل قدیم و جدید فاصله می‌افتد و گسست نسلی به وجود می‌آید (کلاکی، ۱۳۸۶، ۱۷۴). گسست نسل‌ها یعنی دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث

جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی که به شکل‌گیری وضعیت جدید منجر می‌شود (آزاد ارامکی و غفاری، ۱۳۸۳، ۱۲۳).

(۸۹)

نسل‌ها در متن زندگی که از طریق خانواده، دین و دولت ساخته شده و جان گرفته است، عمل می‌کنند. این سه نهاد، سه منبع برای آماده‌سازی اوضاع عمل متفاوت نسلی است. نسل‌ها در ایران به لحاظ تعلق به وضعیت ساختاری از یکدیگر متفاوت هستند، نه این که این تفاوت‌ها ذاتی باشد (آزاد ارامکی، ۱۳۸۶، ۴۵). نسل سوم جامعه ایران در محیطی نو و فضایی جدید پرورش یافته و در نتیجه نسلی اساساً متفاوت با گذشته است. در این شرایط جدید منبع ارزش‌های نوجوان از حالت تک بعدی خارج شده و متعاقباً خانواده تأثیر عمده و یگانه خود را از دست می‌دهد. در جامعه جدید الگوی خانواده به سرعت دست‌خوش تغییر شده و عدم درک نوجوانان باعث کشمکش میان آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانه اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده را مورد سؤال قرار دهند (پیرحسینلو، ۱۳۸۱، ۵۹).

با سپری شدن دوران کودکی و رسیدن افراد به دوران نوجوانی میزان تنش‌ها، تعارضات و گسست‌های نسلی فزونی می‌یابد. چون نوجوان به خلاف کودک به مرحله خود پیروی رسیده است. در این مرحله تلاش نوجوان برای اثبات هویت شخصی و استقلال فردی از یک سو و ناتوانی بزرگسال در درک تفاوت‌های روانی دوران کودکی و نوجوانی فرزندان خود از سوی دیگر، تعارض و تنش میان آنان را تشدید می‌سازد. با ژرف شدن گسست نسلی، تمایل نوجوانان و جوانان به نقض هنجارهای مقبول بزرگسالان فزونی می‌یابد. آنان خواه به صورت فردی یا گروهی، ساز مخالف با بزرگسالان از جمله والدین خود را کوک می‌کنند و حتی ممکن است برای اعتراض علیه دنیای بزرگسالی و هنجارهای آنان مبادرت به رفتارهای خطرآفرین و آسیب‌زا نمایند (الیاسی، ۱۳۸۶، ۳۱).

- معیارهای گسست نسلی به شرح زیر می‌باشد:
۱. نبود ارتباط آشکار میان فضای معنایی دو نسل؛
 ۲. دگردیدی در آرمان‌ها و اهداف دو نسل؛
 ۳. تغییر مفاهیم از نسلی به نسل دیگر؛
 ۴. الگویابی یا الگوگیری نسل جدید از نسلی غیر از نسل قدیم یا اختلال در فرایند همانند سازی؛
 ۵. تفاوت در اصطلاحات روزمره دو نسل؛
 ۶. دگردیدی در ظواهر، پوشش، آرایش و نحوه صحبت کردن؛
 ۷. تفاوت در انتظارات فرهنگی؛
 ۸. کاهش ارتباط کلامی دو نسل؛
 ۹. کاهش فصل مشترک‌های عاطفی؛
 ۱۰. عدم تعهد به فرهنگ خودی؛
 ۱۱. کاهش صبر و بردباری نسل؛
 ۱۲. عدم حضور نسل جوان در مشارکت‌های اجتماعی (کلاکی، ۱۳۸۶، ۱۸۳).

با توجه به معیارهای مطرح شده وجود پدیده گسست نسلی در ایران مشهود است. ما در جامعه شاهد مفاهیم، اصطلاحات، انتظارات، آرمان‌ها، فضای معنایی و ظواهر متفاوت نسل جوان در مقایسه با نسل بزرگ‌سال هستیم که گاه کاملاً در تضاد با نسل گذشته است و این تفاوت‌ها همگی بیان‌گر الگویابی متفاوت در نسل جدید است. ما نتوانسته‌ایم که سبک زندگی اسلامی را در خانواده، مدرسه و جامعه نهادینه سازیم. بی‌توجهی به نهادینه سازی فرهنگ اسلامی و ملی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز گسست نسلی است. فرهنگ، عاملی است که دو یا چند نسل را به یکدیگر پیوند می‌دهد و فصل مشترک میان جامعه و مردم است و همچنین عامل وحدت‌بخش میان نسل‌هاست. اگر فرهنگ ملی و اسلامی خودمان در تربیت و ساختار خانواده و جامعه جاری نباشد، نمی‌تواند نسل‌ها را به هم پیوند

دهد و در نتیجه گسست نسلی پدید خواهد آمد. این امر همچنین به فقدان هویت اجتماعی در نسل جدید منجر می‌شود و جامعه با وجود دست‌یابی به پیشرفت‌های علمی دچار فقدان الزام معنوی می‌شود. بنابراین به مرور زمان میان نسل جدید و ارزش‌های درونی فاصله ایجاد می‌شود و سپس میان نسل جدید و نسل قدیم فاصله ایجاد خواهد شد. علاوه بر آن یکی دیگر از پیامدهای عصر جدید تأکید بیش از حد بر فردیت انسان است که به تدریج به خودشیفتگی افراد منجر می‌شود، یعنی انسانی که پیوسته منتظر است تا دیگران عشق و محبت خود را نثارش کنند تبدیل می‌شود، اما چنین وظیفه‌ای را برای خود در قبال دیگران قائل نیست که نتیجه این وضعیت نیز گسست عاطفی نسل‌ها از یکدیگر است.

پژوهش‌های اندکی در رابطه با پدیده گسست یا تفاوت نسلی انجام شده و در رابطه با عوامل زمینه‌ساز گسست نسلی دیدگاه‌های متفاوتی طرح شده است. احمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان وضعیت دین‌داری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها به این نتیجه رسید که در رابطه با وضعیت دو نسل می‌توان از تفاوت معنادار میان نسل‌ها سخن گفت که این امر نشان‌گر فاصله نسبی میان نسل‌هاست. از نظر نیکویخت و روحانی (۱۳۸۴) صنعتی شدن جوامع بشری، سرد شدن کانون گرم خانواده به دلیل میزان کم حضور والدین و فرزندان در کنار هم، فاصله سطح تحصیلات فرزندان و والدین، در هم شکسته شدن مرزهای اطلاعات جهانی، روند جهانی شدن، فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، بالا رفتن تفاوت سنی والدین و فرزندان به دلیل بالا رفتن سن ازدواج و عوامل متعدد دیگری از این نوع در جهان معاصر به تشدید و تقابل نسلی دامن زده است که همگی آنها متأثر از سبک زندگی حاکم بر جامعه است. صالحی (۱۳۸۳) با رویکردی فلسفی به بررسی ریشه‌های تعارض بنیادی نوجوانان و والدین آنان پرداخته است. به باور او عدم آگاهی والدین از عقاید و ایدئولوژی‌های متفاوت و ناتوانی آنان در پذیرش عقاید مخالف، اغلب موجب ناتوانی آنان در درک تفاوت‌های نگرش و عقیدتی فرزندان نوجوان‌شان می‌شود و چنین عدم درکی

سرانجام ممکن است موجب روی گردانی آنان از یکدیگر شود (به نقل از الیاسی، ۱۳۸۶، ۲۹). باقری (۱۳۸۲) سه عامل را در ایجاد گسست نسلی مطرح می کند که عبارتند از:

۱. نسل گذشته خواستار انطباق کامل و انکار تفاوت نسلی است و دفاع محکمی از ارزش های خود دارد؛

۲. نسل جدید هویت سیال دارد. یعنی به سرعت از موقعیت ها و شرایط خاص تأثیر می پذیرد و ناپختگی تفکر نسل جدید به این معنا که مثلاً در مقام اندیشیدن درباره مسائل به سبک همه یا هیچ فکر می کند؛

۳. فناوری پیشرفته ارتباطات که توسعه ارتباطات پیامدهایی را در برداشته است که یکی از آنها ساخت زدایی است. یعنی ساخت هایی که از قبل در تربیت نسل جدید تعیین کننده بود با توسعه ارتباطات در هم می شکنند.

توکلی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان بررسی ویژگی های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی به بررسی تفاوت دیدگاه های مادران و دختران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که شباهت های ارزشی دو نسل مادران و دختران در سطح ارزش های مادی بیشتر است و به عکس تفاوت های ارزشی دو نسل در سطح ارزش های معنوی بیشتر است.

یغمایی (۱۳۸۰) در پژوهشی که به بررسی اختلاف دین داری والدین و فرزندان در شهر یزد پرداخت، نتیجه گرفت که میان بعد اعتقادی و مناسکی دین داری دو نسل پدران و فرزندان، که مهم ترین بعد دین داری است، اختلاف کمی وجود دارد و در بعد احساس دین داری اختلاف قابل توجهی دیده می شود، اما بیشترین اختلاف در بعد هنجارها و رفتارهای دینی وجود دارد. عظیمی (۱۳۷۸) در پژوهش خود گزارش کرد که جوانان بیشتر از افراد مسن تر به ارزش های مادی گرایش دارند. سخاوت (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان مکانیسم های هنجارپذیری جوانان و راه های مقابله با نفوذ فرهنگی نامطلوب موقعیت جوانان در خانواده، مدرسه و جامعه را بررسی کرد. نتایج این پژوهش

نشان داد که اگر نهادهای اجتماعی کننده در ایفای نقش خود در جهت هنجارپذیر کردن نسل جوان تعلق کنند با پدیده تعارض ارزش‌ها مواجه خواهند شد. شفیع آبادی (۱۳۷۲) اشاره کرد در تحقیقی که درباره رابطه والدین و فرزندان انجام شد، ۶۵ درصد دانش آموزان از تنبیه بی‌مورد، عدم درک، تصمیم‌گیری‌های آنی، تمسخر، تبعیض و عدم رعایت ارزش‌ها و هنجارها از سوی والدین شکایت داشتند. این پژوهش توصیفی و از نوع مروری و کتابخانه‌ای است. در این روش پژوهش‌گر از فیش‌برداری استفاده می‌کند و با مراجعه به منابع از قبل شناسایی شده، مطالب مهم و مورد نیاز را یادداشت می‌کند.

۶. راه‌کارهای برخورد با گسست نسلی خانواده‌ها براساس سبک زندگی اسلامی

یکی از مسائلی که دامن‌گیر جامعه امروز ما شده، فردگرایی افراطی و بی‌توجهی به دیگران است که فرد را از جامعه جدا کرده، ارتباط سازنده با دیگران را مختل می‌سازد، در حالی که در آموزه‌های اسلامی ما بر پرهیز از خودخواهی و خودمحوری تأکید شده است و البته به دلیل ماهیت و شرایط خانواده امروز که در آن هر کس به دنبال کار خویش است و تعداد فرزندان محدود است، انسجام و ارتباط میان اعضای خانواده کم رنگ شده است (قنبری، ۱۳۸۲، ۴۶۷). باقریان (۱۳۸۲، ۲۴۵) راه‌کار برخورد با گسست نسلی را توانمندسازی فرهنگی یا اصلاحات فرهنگی دانسته که اجرای آن نیازمند رویکردی تحولی است که به شناخت وضع موجود، هدف‌گذاری و هویت‌یابی نیاز دارد و از درون آن می‌توان راهبرد برنامه ملی سامان‌دهی فرهنگی را استخراج کرد. در دین مبین اسلام و سبک زندگی اسلامی درباره برخورد صحیح با نسل جدید رهنمودهایی شده است که خانواده‌ها می‌توانند با نهادینه سازی آنها برخورد مناسبی با نسل جوان داشته باشند که در ادامه آنها را مطرح خواهیم کرد.

۱-۶. تقویت عزت نفس جوانان

بسیاری از مشکلات نسل جوان در نداشتن روحیه اعتماد به نفس و روحیه خودباوری ریشه دارد. ترس از ورود به اجتماعات و اظهار اندیشه‌ها، نپذیرفتن مسؤلیت‌ها، بسیاری از ناکامی‌ها مانند عوارض حقارت و نداشتن عزت نفس است که می‌توان عزت نفس را با شیوه‌هایی همچون تکریم و تأیید شخصیت تقویت کرد. یکی از عادت‌های حضرت محمد ﷺ تکریم و تأیید شخصیت کودکان و نوجوانان بود و آن یگانه اسوه اخلاق و ادب همیشه بر این شیوه خود اصرار می‌ورزید (ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۶۷).

۲-۶. احترام گذاشتن به نسل جوان

در قرآن کریم در این رابطه داستان قضاوت حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام آمده است، که وقتی قضاوت بین دو کشاورز درباره خسارتی که گوسفندان آنان به زمین کشت شده کشاورزی وارد کرده بود، حضرت داود علیه السلام به قضاوت فرزند جوانش حضرت سلیمان علیه السلام احترام گذاشت و حکم داوری او را پذیرفت و این اوج احترام گذاشتن و حفظ شخصیت به جوانان است که در قرآن نشان داده شده است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ۷).

۳-۶. ایجاد فضای شاد و پرنشاط

یکی از مهم‌ترین نیازهای کودکان و نوجوانان در راه رشد و تربیت، داشتن فضای شاد، پرنشاط و صمیمی است و پدر و مادران مسؤول بر خود لازم می‌دانند که فرزندان خود را از داشتن چنین حقی محروم نکنند. والدین باید اندوه خود را در دل نگه دارند و در چهره خود گشاده‌رویی را نمایان سازند. همان طور که ما در نصایح دینی خود داریم، مؤمن کسی است که شادی در چهره و اندوهش در دل باشد و امام صادق علیه السلام خوش‌رویی را یکی از کمالات ایمان برشمرده است (دهقان، ۱۳۷۰، ۱۳۴).

۴-۶. توجه به عواطف و ترویج آن

امروزه عمده‌ترین فقر بشریت در جامعه صنعتی فقر فرهنگی و عاطفی است و مهم‌ترین مشکل کودکان امروزی کمبود عشق، عاطفه و محبت است. همچنین عمده‌ترین دلیل ناسازگاری فرزندان در خانواده‌ها و عامل بسیاری از ناهنجاری‌ها مثل فرار از خانه، ریشه در کمبود محبت دارد. فقر عاطفی موجب می‌شود شخصیت انسان در نزد خود حقیر و پست باشد و کرامت و عزت نفس خود را از دست بدهد. همان‌طور که امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: کسی که شخصیت خود را خوار و ذلیل می‌پندارد، از شر او ایمن نباش. بنابراین پدر و مادر به عنوان ارکان اساسی خانواده نه تنها باید شیوه‌های مهرورزانه را در برخورد با فرزندان‌شان داشته باشند، بلکه ضروری است که ارزش‌های مورد تأکیدشان نیز اهمیت، شفافیت و اصالت داشته باشد. خانواده در جامعه ایرانی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اصول اعتقادی و اخلاقی مورد تأکید دین اسلام می‌تواند سبک زندگی اسلامی را نهادینه ساخته و با کم‌ترین تنش و گسست نسلی و عاطفی مواجه شود.

۵-۶. توجه به خصوصیات نسل جوان

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه اظهار داشته است: هرگاه در کاری که با آن مواجه شدی، نیازمند مشورت بودی، ابتدا با جوانان مشورت کن، زیرا به لحاظ ذهنی تیزتر و به لحاظ حدس و گمان سریع‌تر هستند. سپس آن را بر میان سالان و کهن سالان عرضه کن تا بررسی کنند و بهترین رأی را انتخاب کنند، زیرا آنها تجربه بیشتری دارند. این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نشان دهنده دو ویژگی خاص جوانان است که آنها عبارت‌اند از:

۱. تیزی و حدس سریع؛

۲. خلاقیت و نوآوری.

این دو ویژگی نشان دهنده ضرورت مشورت خواهی از جوانان و مشارکت دادن آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مقدم داشتن جوانان بر بزرگسالان در مشورت

(نه تصمیم‌گیری) است.

۶-۶. تهیه و استفاده از روزی حلال

پدر علاوه بر این که نیازهای روحی همسر و فرزندان را تأمین می‌کند، باید با تهیه غذای حلال در زندگی برای رشد سالم جسمی آنان زمینه‌سازی کند. از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام غذایی را که مصرف می‌کنیم، علاوه بر آثار طبیعی که بر جسم می‌گذارد، آثار دیگری هم در روح و روان و شخصیت معنوی ما ایجاد می‌کند. همان‌طور که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آن طلب روزی حلال است (ابراهیمی، ۱۳۸۵، ۷۳). تلاش پدر یا مادر برای کسب روزی حلال باعث می‌شود فرزندان زحمات والدین را مشاهده کرده و از زحمات والدین قدرشناسی بیشتری کنند که این امر باعث برقراری ارتباط عاطفی میان فرزندان و والدین و دوری از گسست نسلی در خانواده‌ها می‌شود.

۶-۷. مدارا و بخشش در برخورد با نسل جوان

حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه فرموده‌اند: هرگاه جوانی را سرزنش کردی، از برخی گناهان او درگذر تا سرزنش تو، او را به سختی و مقابله وادار نکند. این کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام نشان دهنده چندین ویژگی جوانان است که آنها را مطرح می‌کنیم.

۱. نبستن همه راه‌ها بر جوانان؛
۲. رعایت احتیاط در میزان سرزنش جوانان در برابر لغزش‌ها؛
۳. افراط در سرزنش جوانان عامل بزه‌کاری و انحراف آنها می‌شود؛
۴. سرزنش حساب شده و درست جوان روشی مؤثر در بازداري او از انحراف‌های بیشتر و نشان‌گر روحیه حساس و زودرنج جوانان است (سلیمانی‌فر، ۱۳۸۴، ۵۱).

۸۶. توجه به نیازهای نسل جوان

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی امام علی علیه السلام به بازار بزازان وارد شد و دو پیراهن خرید، یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. سپس به خدمتکارش (قنبر) فرمود: پیراهن سه درهمی را بگیر. قنبر گفت: این پیراهن برای شما شایسته تر است، چون شما به منبر می‌روی و برای مردم خطبه می‌خوانی. حضرت علی علیه السلام فرمودند: تو جوانی و خواسته‌های جوانی داری و من از خدا شرم دارم که خود را برتر از تو بدانم. این رفتار چندین پیام دارد که عبارت‌اند از:

۱. لزوم توجه به نیازهای جوانان و رعایت حال آنها؛
۲. جوانی دوره شور، نشاط و علاقه به آراستگی و زیبایی است؛
۳. تربیت دینی جوانان در مواردی نیازمند ایثار، فداکاری و از خود گذشتگی است.

در قرآن نیز به روان‌شناسی جوانان اشاره شده که بخشی از آن را در ابتدای سوره بقره می‌بینیم. خداوند در یکی از آیات می‌فرماید: بدانید که زندگانی دنیا عبارت است از دوران بازی، دوران سرگرمی و دوران زینت و خودآرایی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ۶).

۹۶. تربیت معنوی فرزندان

پدران و مادرانی که در خانواده با فرزندان مهربان‌اند و میدان را برای فعالیت‌های فطری آنها بازمی‌گذارند و آنان را در کارهای کودکانه خود تمسخر و تحقیر نمی‌کنند، خیلی زود به رشد معنوی و شخصیت روانی نائل می‌شوند. در اندیشه اهل بیت علیهم السلام علاوه بر آموزش آداب و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی، باید فرزندان را با نکات معنوی و تربیت دینی آشنا کرد. نوای دل‌نشین توحید نخستین آموزه‌های دینی است که روح هر فردی را طراوت می‌بخشد و او را به سمت معنویت سوق می‌دهد. آموزه‌های دینی گذشته از این که فرزندان را با سرچشمه حقیقی جهان آفرینش مرتبط می‌سازد، در آنان روحیه استقامت و پایداری در

برابر مشکلات را نیز ایجاد خواهد کرد (سلیمانی فر، ۱۳۸۴، ۵۹).

۱۰-۶. استفاده از الگوهای عملی

قرآن کریم یکی از افرادی را که برای مردم الگو معرفی می کند حضرت لقمان عَلَيْهِ السَّلَام است. دستورات تربیتی حضرت لقمان عَلَيْهِ السَّلَام بر فرزندش نمونه عملی سبک زندگی سالم و اسلامی است که از تربیت دینی آغاز و به تربیت انسانی می انجامد. دستورات ده گانه حضرت لقمان عَلَيْهِ السَّلَام به فرزندش به شرح زیر می باشد:

۱. شرک نورزیدن به خدا؛

۲. توجه به معاد؛

۳. امر به اقامه نماز؛

۴. امر به معروف؛

۵. نهی از منکر؛

۶. امر به صبر و استقامت؛

۷. امر به خوش رویی؛

۸. امر به تواضع؛

۹. امر به اعتدال در راه رفتن؛

۱۰. امر به اعتدال در سخن گفتن (دهقان، ۱۳۷۰؛ ۱۴۷).

مهم ترین راه کار برخورد با شکاف نسل ها شناخت صحیح نسل جوان است. شهید مطهری (۱۳۶۳، ۲۱۲) مهم ترین مسأله در رهبری دینی نسل جوان را شناخت دانسته و فرموده: ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان ما مزایا و معایبی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراک و احساساتی دارد که در گذشته نبوده و از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد که باید آنها را شناخت و چاره کرد. چاره کردن این انحرافات بدون در نظر گرفتن مزایا و بدون احترام گذاشتن به آنها میسر نیست. اگر بخواهیم به این امور بی اعتنا باشیم، محال است که بتوانیم جلوی انحرافات فکری

و اخلاقی نسل آینده را بگیریم. محدثی (۱۳۷۹، ۱۰۷) معتقد است که باید میان نسل کهن و نو رابطه و همدلی ایجاد کرد و یکی از عوامل این ارتباط درک این دو قشر و دو نسل از یکدیگر است و اظهار کرد که اگر هر دو این نسل‌ها شرایط حاکم بر دیگری و فرهنگ خاص تربیت شدن او را در آن فضا درک کنند، هم دیدگاه‌شان نسبت به هم روشن‌تر و شفاف‌تر خواهد شد و هم از یکدیگر توقعات و انتظارات واقعی و عینی خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

شخصیت فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد و یک شخصیت اسلامی می‌تواند باعث داشتن سبک زندگی سالم شود. هر اندازه که والدین از آموزه‌های قرآنی بهتر و بیشتر بهره بگیرند، به همان اندازه در سبک زندگی خود و فرزندان‌شان تأثیر مثبت دارد. به راستی رسیدن به یک سبک زندگی اسلامی در نتیجه بهره‌گیری از اعتقادات و آموزه‌های دینی و اسلامی امکان دارد. همچنین عدم شناخت صحیح از مخاطب به برقراری ارتباط نامناسب منجر می‌شود. با شناخت ویژگی‌های مخاطب می‌توان ارتباط بهتری با آنها برقرار کرد که در سبک زندگی اسلامی به این نکته تأکید شده است. نهاده‌ها نشدن سبک زندگی اسلامی و استفاده از آموزه‌های دینی در دانش، نگرش و روش زندگی خانواده‌ها امکان برخورد مناسب و منطقی با نسل جدید را از جامعه گرفته است. اگر نسل جدید و جوان در مقایسه با نسل بزرگسالان در زمینه‌های مفاهیم، اصطلاحات، انتظارات، آرمان‌ها و ظواهر متفاوت باشد، این تفاوت‌ها حاکی از الگویابی متفاوت نسل جدید و گسست نسلی است. بنابراین باید برای هدایت نسل جوان، آنان را با سبک زندگی اسلامی آشنا ساخت تا از ایجاد گسست نسلی جلوگیری کرد. با توجه به آموزه‌های اسلامی برای برخورد با پدیده گسست نسلی و ایجاد پیوند نسلی باید عزت نفس جوانان را تقویت کرد، به آنان احترام گذاشت، فضایی شاد ایجاد کرد، به عواطف، خصوصیات و نیازهای آنان توجه کرد، به

آنان روزی حلال داد، در برخورد با آنها مدارا کرد، به تربیت معنوی آنها پرداخت و از الگوهای عملی استفاده کرد. با نهادینه سازی سبک زندگی در خانواده که مبتنی بر رحمت و اعتدال است، نه تنها می‌توان از گسست نسلی جلوگیری کرد، بلکه می‌توان به پیوند نسلی نیز دست یافت.

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارامکی، محمد تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی نسلی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲. آزاد ارامکی، محمد تقی (۱۳۸۶)، «فرایند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، مجله علوم اجتماعی: جوان و مناسبات نسلی، ۱(۱): ۴۱-۶۸.
۳. ابراهیمی، محمد حسین (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی (ستیزه‌های خانواده و طلاق)، تهران، انتشارات روشنگران.
۴. احمدی، یعقوب (۱۳۸۸)، «وضعیت دین‌داری و نگرش به آینده در میان نسل‌ها: مطالعه موردی شهر سنندج»، مجله علوم اجتماعی: معرفت فرهنگی اجتماعی، ۱(۴): ۱۷-۴۴.
۵. الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۶)، «سنجش رابطه گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران»، مجله جوانان و مناسبات دینی، ۱(۱): ۲۵-۳۹.
۶. امامی، پدرام (۱۳۹۰)، جایگاه انسان در جامعه، تهران، انتشارات فردا.
۷. باقریان، محمد (۱۳۸۲)، ابعاد فرهنگی انقطاع نسل‌ها در ایران؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۲)، امکان و عوامل گسست نسل‌ها؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۹. بیات، بهرام (۱۳۸۲)، تعارض ارزش‌های نوجوانان با ارزش‌های جامعه و والدین؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۰. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۰)، «ارمغان قرآن برای نسل جوان»، نشریه علوم قرآن حدیث: گلستان قرآن، ۹۶، ۶-۷.

۱۱. پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۷)، حقوق متقابل والدین بر فرزندان (آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام)، تهران، انتشارات مبین اندیشه.
۱۲. پناهی، محمد حسین (۱۳۸۰)، «فاصله نسبی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء علیها‌السلام، ۳۷ و ۳۸ (۱)، ۷۷-۱۱۴.
۱۳. پیرحسین‌لو، علی (۱۳۸۱)، «فهم تحولات فرهنگی براساس تفاوت نسل‌ها»، مجله آفتاب، ۲۰ (۸): ۵۲-۵۹.
۱۴. توکلی، مهناز (۱۳۸۲)، بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۵. دهقان، اکبر (۱۳۷۰)، تحلیلی بر روش‌های تربیت نفس و اهداف آن در فرهنگ وحی، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش.
۱۷. سخاوت، جعفر (۱۳۷۵)، «مکانیسم‌های هنجارپذیری جوانان و راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی نامطلوب»، نامه پژوهش، ۱ (۳ و ۲): ۲۷-۲۵.
۱۸. سلیمانی‌فر، ثریا (۱۳۸۵)، «شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت»، نشریه علوم قرآن و حدیث: بینات، ۵۱ (۳): ۵۱-۷۳.
۱۹. شادفر، حوریه و جمالی زواره، بهار (۱۳۹۲)، «راه‌کار مواجهه با گسست نسلی در خانواده؛ احیای سبک زندگی اسلامی»، همایش سبک زندگی اسلامی شهرداری تهران، ۵۳۷-۵۶۳.
۲۰. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، نقش خانواده در رشد عواطف کودک، نوجوان و جوان، همایش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲۱. عظیمی، مژگان (۱۳۷۸)، «تحلیل ثانویه ارزش‌های اجتماعی و اولویت ارزشی»، مجله اطلاع‌رسانی و کتاب‌داری: نامه پژوهش فرهنگی، ۱۵ و ۱۴ (۲): ۱۶۷-۱۹۸.
۲۲. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران، نشر صبح صادق.
۲۳. قمبری، محمد (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه دین‌داری و میزان شادمانی در بین دانشجویان به تفکیک جنسیت و وضعیت تأهل». مجله روان‌شناسی و دین، ۳ (۲): ۷۵-۹۱.
۲۴. قنبری، بخشعلی (۱۳۸۲)، وحدت گوهری نسل‌ها در مثنوی؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۵. کاویانی، محمد (۱۳۸۸)، طرح نظریه سبک زندگی براساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، پایان‌نامه دکتری

روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.

۲۶. کججاف، محمد باقر؛ سجادیان، پریناز؛ کاویانی، محمد و انوری، حسن (۱۳۹۰)، «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، مجله روان‌شناسی و دین، ۴ (۴)، ۶۱-۷۴.
۲۷. کلاکی، حسن (۱۳۸۷)، «مقایسه ارزش‌های مذهبی دو نسل جدید و پیشین در ایران»، مجله اطلاع رسانی و کتاب‌داری: نامه پژوهش فرهنگی، ۱۲ (۲): ۱۷۱-۱۹۸.
۲۸. کمربگی، خلیل (۱۳۸۵)، «تعارض ارزش‌ها»، مجله علوم اجتماعی: رشد آموزش علوم اجتماعی، ۳۰ (۱): ۵۸-۶۰.
۲۹. محدثی، جواد (۱۳۷۹)، «خیمه عفاف: آشتی میان دو نسل»، نشریه پیام زن، ۱۰۷.
۳۰. محمدی، علیرضا (۱۳۸۵)، «ویژگی‌ها و نیازهای نسل سوم انقلاب»، نشریه پرسمان، ۴۸: ۴۳-۵۱.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، ده‌گفتار: رهبری نسل جوان، تهران، انتشارات اسلامی.
۳۲. معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست نسلی»، نامه علوم اجتماعی، ۲۴ (۳): ۵۵-۸۰.
۳۳. منصورنژاد، محمود (۱۳۸۲)، شکاف و گفت و گوی نسل‌ها با تأکید بر ایران؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳۴. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۸)، دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۳۵. نیکوبخت، ناصر و روحانی، رضا (۱۳۸۴)، «تفاوت و تقابل نسل‌ها در آثار سعدی»، دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۴، ۴۱-۶۸.
۳۶. یغمایی، محمد تقی (۱۳۸۰)، دین‌داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی در شهر یزد، پایان نامه دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۷. یوسفی، نریمان (۱۳۸۲)، سبک‌های تربیتی و شکافی بین نسلی؛ در نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها: رویکرد فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی، به اهتمام علی اکبر عیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.